



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل: متن قوانین - تصویبنامه ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی
اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آئین نامه ها - بخش نامه ها - آگهی های رسمی و قانونی - سؤالات

شماره تلفن: ۸۸۹۴-۸۸۹۵ - ۸۸۹۶-۵۴۴۸

۵ شنبه اردیبهشت ماه ۱۳۲۸

وزیر: سید محمد باقی

سال پنجم - شماره ۱۲۱۶

صفحه ۴۱۴

دوره یازدهم قانونگذاری

شماره مسلسل ۱۶۸۶

روزنامه یومیه

فهرست مندرجات

بقیه صورت مشروح مذاکرات صد و پنجاه و ششمین
جلسه دوره یازدهم از صفحه ۱ تا ۸
۲ - آگهی های رسمی » ۹

مذاکرات مجلس

بقیه جلسه ۱۵۶

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز ۵ شنبه بیست و پنجم فروردین ماه ۱۳۲۸

فهرست مطالب:

۱ - قرائت نتیجه آراء ۴ کمیسیون

۲ - بقیه استيضاح آقای دکتر بقائی

۳ - تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس یک ساعت و چهل دقیقه قبل از ظهر بریاست آقای امیر حسین ایلخان (نایب رئیس) تشکیل گردید

۱ - قرائت نتیجه آراء ۴ کمیسیون

نایب رئیس - چون جلسه قبل بعنوان

تنفس ختم شد صورت جلسه نداریم چهار کمیسیون

انتخاب شده است که قرائت میشود آقایان باید هیئت

رئیس و تشکیلات آنرا بعداً تعیین کنند.

دکتر بقائی - وسط نطق کمیسیونها را

میشود خواند؟

نایب رئیس - کمیسیونهایی که آراء آن استخراج

شده خوانده میشود؛

(گزارش استخراج آراء کمیسیونها بشرح

زیر خوانده شد)

کمیسیون کشاورزی

آقای غضنفری آقای قوامی

» امیرحسینخان ایلخان » معین زاده

» مسعود نابتی » ظفری

» لیقوانی » عدل اسفندیاری

آقای دادور

» امیر تیمور

» قهرمان

» ابوالقاسم امینی

» ارباب مهدی

کمیسیون فرهنگ -

آقای صدرزاده

» عبدالرحمن فرامرزی

» نواب

» دکتر معظمی

» مکی

» حاذقی

» گنابادی

» منصف

» دکتر آشتیانی

» دکتر بقائی

کمیسیون دادگستری

» نبوی

» صفوی

» دکتر آشتیانی

» مجتهدی

آقای صدرزاده

» لاهوتی

» نراقی

» هاشم وکیل

» صاحب جمع

» فولادوند

» ضیاء ابراهیمی

» رضوی شیرازی

» نبوی

کمیسیون کشور؛

آقای رضوی شیرازی آقای بیات

» آزاد

» پالیزی

» عدل اسفندیاری

» عرب شیانی

» محمد علی مسعودی

» مکرّم

» برزین

» نیک بی

نایب رئیس - خواهش میکنم هیئت رئیس چهار

کمیسیون را تعیین بفرمائید تا زودتر مشغول کار شوند

پیشنهادی از آقای دکتر شفق رسیده است که روز

شنبه مجلس بعنوان فوق العاده برای تصویب مذاکره

دو روز دهم تشکیل شود (عده ای از نمایندگان مسیح

است) و روز یکشنبه همینطور استیضاح ادامه خواهد

داد

داد

داد

داد

داد

بقیه مذاکرات مشروح یکصد و پنجاه و ششمین جلسه از یازدهمین دوره قانونگذاری

داشت . مخالفی ندارد ؟ (اظهاری نشد)
۴- بقیه استیضاح آقای دکتر بقائی
دکتر بقائی . بنده ممکن است باین پیشنهاد موافقت کنم بشرط اینکه در مجلس گفته شود که از روز یکشنبه که امکان استیضاح ادامه خواهد داشت و آقایان قول بدهند که پیشنهاد دیگری نکنند چون اگر بنا شود پیشنهاد دیگری بکنند بنده مجبورم که بعنوان مخالف صحبت کنم چون این موضوع مربوط بکارمندان دولت است من نمیخواهم وقفه ای ایجاد شود زیرا اینها مردمان بیچاره ای هستند ولی اگر بنا باشد هر روز یک پیشنهادی بدهند هر روز که استیضاح بنده بتعمیق یافتند بنده مجبورم بعنوان مخالف با پیشنهاد استیضاح خود را بگویم (آشتیانی زاده - آقای دکتر بقائی مگر استیضاح امروز تمام نمیشود؟) خیر امروز تازه وارد موضوع میوم .
نایب رئیس - من گفتم که روز یکشنبه استیضاح را مطرح کنید پس جلسه روز شنبه فوق العاده برای دو دوازدهم است آقای دکتر بقائی بقیه استیضاح را بفرمائید . خواهش میکنم اجازه بفرمائید قبلاندر تری بدیم در استیضاح باید توهین باشخاصی که در خارج هستند نشود آقایان نمایندگان سعی کنند که بحد دیگر توهین نکنند چونکه یک اشخاصی ولو اینکه بدعمل کرده باشند و خوب رفتار نکرده باشند باید تذکر داد که اینطور کرده اند ولی از کلماتی که خارج از نزاکت باشد باید جلوگیری کرد (احسن - صبح است)
دکتر بقائی - البته بنده سعیم این خواهد بود که تذکرات جنابعالی را رعایت کنم جناب آقای امیر حسین خان ، آنچه که اینجانبانده میگویم بامدرک و دلیل میگویم . هر قسمتی از عرایض بنده را ممکن است که آقایان بیاینه از بنده اثباتش را بخواهند و هر کدام از آقایان که میل داشته باشند من این مدارک را بپیشن ارائه خواهم داد ولی خواهشی که از آقایان دارم این است که بگذارند من حرفم را بزنم و ضمناً یک جمله ای نامت ماند چون بنده مجبور خواهم بود بکرات از این جمله استفاده کنم در ابتدای جلسه این جمله را ذکر میکنم و این فرمایش ارسطو است با ستاد خودش افلاطون که عرض کردم یک وقتی یک عقیده ای خلاف عقیده افلاطون ذکر کرده بود با اظهار کردند عقیده استاد تو غیر از این بود ارسطو جواب داد من افلاطون را دوست میدارم ولی حقیقت را بیشتر دوست میدارم و بندهم چون یک شاگرد خیلی خیلی کوچک و ناچیزی از مکتب آن بزرگان هستم مجبورم بنسبت همانها رفتار کنم و اگر در استیضاح من نسبت بیعضی از دوستانم و کسانی که بمن لطف و محبت دارند عرایضی بکنم و مجبور باشم که اسم آنها را بیاورم از من گله نداشته باشند و بدانند که محرک من تنها کشف حقایق است ، حقیقت هم همیشه کشف خواهد شد بالاخره حقیقت کشف میشود . قبل از اینکه وارد موضوع بشوم از جناب آقای ساعد سؤال میکنم که آیا دستور فرموده اید که سرهنگ مهدی را معزول کنند ؟ و آیا دستور فرموده اید که بوضعیت استخدامی سرهنگ بر خوردار رسیدگی شود یا خیر ؟
نایب رئیس - آقای دکتر بقائی تصدیق بفرمائید که این سؤالات مورد ندارد چونکه ایشان الان حق

ندارند جواب شما را بدهند باید در موقع خود گفته شود
دکتر بقائی . یک تذکری هم بآقای دکتر سجادی میدهم بلکه با این عدالت اجتماعی که به مملکت ما برتوانانکنده و این آزادی که از در دیوار مبارد و محاکم ما باین سرعت عمل میکنند شایسته است دستور بفرمائید محاکمه بر خوردار نسبت به توهینی که به سندن رضوی کرده بود تسریع شود (فرامرز - مجلس توهین کرده بود) بله بمجلس کرده بود ولی آقایان نمیخواهند قبول بکنند . اما راجع بآقای سرهنگ مهدی در ضمن مذاکرات دیروز اینطور بنظرم رسید که تیمسار محترم سید امیر احمدی فرمودند که این شخص حقوق سرهنگ دومی داشته ولی سرهنگ نبوده است
وزیر جنگ - سرهنگ نیست همدریف است
آشتیانی زاده - مثل مدیر کلها میماند
وزیر جنگ - اداری است (زنک رئیس)
نایب رئیس - حرفتان را بنیز استنطاق حق ندارید بکنید
دکتر بقائی - طبق ماده پنجم از فصل دوم تشکیل دادگاههای نظامی موقت مصوب ۱۶ خرداد ماه ۱۳۲۲ ، ماده را عیناً میخوانم « دادگاه های نظامی موقت در صورتی که شعب متعدد داشته باشند دارای یک نفر رئیس با درجه سرتیپی خواهد بود و اگر در محل تشکیل دادگاه سرتیپ نباشد تصدی مقام ریاست با یکنفر سرهنگ خواهد بود . درجه رئیس شعبه اقل سرهنگ دوم و درجه کارمندان آن از سرهنگ دومی تا سرگردی باید باشد » پس طبق این قانون کارمند دادگاه باید درجه دار باشد چون گفته اند مهدی درجه دار نیست و حقوق نظامی میگیرد نمی تواند دادستان باشد (کشاورز صدر - دادستان است کارمند نیست) (رئیس - بعد جواب بدهید) بعد جواب بدهید جناب آقای کشاورز وسط حرف جواب ندهید . خصوصاً در همه جا در موقع ذکر ابواب جمعی ارتش افسران و همدرفان را منظور میدارند همه آقایانی که خدمت نظام وظیفه را انجام داده اند میدانند اینجا از هم تفکیک هستند چون درجه دار نیستند و همدریف هستند نمی توانند دادستان باشند اما یک نکته دیگر ماده ۳۷ قانون دادرسی و کفر ارتش مصوب کمیسیون قوانین دادگستری مورخ ۴ دی ماه ۱۳۱۸ ماده ۳۷ را برای آقایان قرائت می کنم ، « اشخاص مشروحه یائین نمی توانند بسمت ریاست یا کارمندی دادگاه انتخاب و یا وظیفه دادستان و بازرس را عهده دار شوند :
۱- اقرباء نسبی یا سببی مهم تا درجه سوم .
۲- کسی که شاکی بوده یا حکم تعقیب قضیه را داده یا در موضوع اتهام مربوطه گواهی داده است .
۳- کسیکه با مهم بعنوان شاکی یا خواهان خصوصی قبلادادرسی کبفری داشته و از تاریخ آن دادرسی تا تاریخ دادرسی مطروحه سه سال نگذشته باشد
۴- کسی در موضوع اتهام بنحوی از انحاء (بنحوی از انحاء) سابقاً رسیدگی و اظهار عقیده بر بزهکار بودن یا نبودن کرده باشد .
۵- کسیکه سابقه محکومیت کبفری در یکی از دادگاه ها داشته باشد و یا بانها از تکاب بزهی خود تحت تعقیب باشد .

۶- افسرانی که تحت اوامر مهم در زمان ارتکاب بزه متنبه انجام وظیفه نموده اند . این ماده ۳۷ قانون دادرسی و کبفر ارتش را برای آقایان خواندم اولاً ایشان با شماره ۵ این ماده نمیتوانند دادستان باشند برای اینکه طبق مدارک کسی که روز گذشته برض آقایان رسید این خودش در دادرسی ارتش تحت تعقیب بجرم فرار بوده است و این پرونده هنوز مطرح نشده و تیرمه نشده است فقط پرونده را بسته اند و دوم کسی که شاکی بوده یا حکم تعقیب قضیه را داده یا در موضوع اتهام مربوطه گواهی داده است . ایشان در موضوع اتهام مربوطه گواهی داده اند ، گواهی ایشان چهل شماره مقالاتی است که در روزنامه دار یا اینطور بنظرم رسید که تیمسار محترم سید امیر احمدی درج شده ، با ستاد عمل ایشان و قلم ایشان و بجرم درج آن مقالات یک نماینده ای از این مجلس مطرود شد .
آشتیانی زاده - چرا از طرفداری نکردید وقتی مطرود شد ؟
نایب رئیس - آقای آشتیانی زاده بگذارید صحبت کنند .
دکتر بقائی - خدمت آقا هم میرسیم آقای آشتیانی زاده تأمل کنید . پس ایشان گواهی داده اند گواهی ایشان مقالاتی است که حالا بجرم نوشتن آنها خودش دارد مردم را محکوم میکنند در مجلس تصریح شد بقلم جناب آقای سرهنگ مهدی دادستان ارتش ، ایشان این مقالات را نوشته و گواهی داده اند پس چنین شخصی نمی تواند این کار را بکند قانون بهش اجازه نمیدهد . اما موضوع دیگر قانون عیناً میگوید کسیکه در موضوع اتهام بنحوی از انحاء سابقاً رسیدگی و اظهار عقیده بر بزهکار بودن یا نبودن کرده باشد ، ایشان بچندین نحو از انحاء رسیدگی کرده اند ، ایشان مقاله نوشته اند ، تحریک کرده اند ، اظهار عقیده کرده اند ، توهین بمقام سلطنت کرده اند ، توهین بمجلس کرده اند ، توهین برجال ملی ما کرده اند ، توهین بذهب ما کرده توهین بهمه چیز ما کرده و این شخص امروز دادستان محاکم نظامی است (دهقان - دادستان نیست دادستان سرتیپ بقائی است) کفیل دادستانی هر چه هست امروز همه کاره است آقای دهقان آن چنان شخصی است که سرلشکرها جلوش اینچوری میباشند ، سرلشکر ها باو احترام میگذارند ، او خیلی بالا خواهد رفت و از کله گندهما خواهد شد (خنده نمایندگان) چون این از عواملی است که من خدمت آقایان محترم عرض میکنم و تشریح میکنم عرض کنم بنده جناب آقای ساعد و جناب آقای آقا سید یک انتظار از شما دو نفر داشتم و آن این است که صبحی که تشریف میآوردید این جا بنده بگویند که این هر دو نفر از کار بر کنار شدند ، برای اینکه من میدانم جناب آقای ساعد و جناب آقای وزیر جنگ از این جریان اطلاعی نداشته اند وزیر نظر شما و به اسم شما ککار خطائی انجام شده بود ولی شما میتوانستید یک سیر جلوی خودتان بگیرید و آن سیر جهل بود که بگویند آقا من نمیدانم ، تا دیروز این جرم نبود ولی من انتظار داشتم آقای ساعد از شخص شریفی چون شما از همین جا که میروید فوری بروید بگویند این شخص را معزول کنند و بعدا که جلب کنند و اگر این دستور شما اجرا نمیشد با کمال

شرافتندمی استغفای خودتان را بدهید و بروید چون وقتی که نمیدانستید جرم نیست ولی من همیشه اول اتهام تمام حجت میکنم ، ما در تاریخ ملت خودمان و در تاریخ مذهب مقدس خودمان یک نمونه های خیلی بزرگی از مملکت داری داریم البته من نمیگویم شما مثل آن نمونه ها باشید این فرض مجال است ولی باید اینها را در نظر گرفت ، علی این ابیطالب ؟ وقتی که بخلافت مسلمین انتخاب شد فوراً دستور داد معاویه را از خلافت شام بر دارند آمدند دوستان ، رفقا ، سیاستمداران ، وزرای مشاور گفتند این را نمیشود برداری ، این مرد کردن کلفتی است سرهنگی است برای خودش اگر این را برداریم مملکت چطورو فلان میشود ، علی گفت بخدا ممکن نیست که یک دقیقه من در مسند خلافت بنشینم معاویه دارای منصب باشد و بر مسلمین تحکم و حکمروائی کند ، ما یک چنین نمونه ای داریم در مملکت داری ، جناب آقای ساعد شما دیروز نمایانستید ولی ۲۴ ساعت چطور تحمل کردید که این شخصی را که من معرفی کردم و میدیدم که بعضی از همکاران عرایض بنده را تصدیق میکردند چطور تحمل کردید که این شخص ۲۴ ساعت در این پست باقی بماند ؟ و چطور وجدانتان شما این اجازه را داد ؟ اینها را باید بیابید اینجا جواب بدهید . یک جوابهای سفسطه آمیزی بمن داده خواهد شد ولی بدانید که یک جای دیگری هم هست که در آنجا از شما سؤال خواهند کرد و آنجا یک دادستانی همیشه پهلوی شما هست و این دادستان اسمش وجدان است و این وجدان شما را عذاب خواهد داد که چرا تحمل کردید ۲۴ ساعت چطور تحمل کردید کسی را که اینطور من معرفی کردم ۲۴ ساعت دیگر بماند ؟ آنهم که حرف شما را نخواهد خواند من این را میدانم که حرف شما را سرهنگ مهدی دادستان باشد یا من رئیس الوزراء باشم ، ولی ماننن و تحمل کردن وقتی که انسان میدانند این خوب نیست ، من خدمت آقایان محترم عرض کردم که هیچ ایرادی را بدون اینکه تمام حجت کرده باشم نمی کنم ، اگر جناب آقای ساعد خاطرشان باشد ما بکروز دوشنبه ای اینجا رأی تمایل نوشتیم و دادیم روز سه شنبه که مجلس بودنم از جناب آقای ساعد تقاضای وقت ملاقاتی کردم برای اینکه یک عرایضی بخدمتشان بکنم ، با وجود گرفتاری زیادی که داشتند بر بنده منت گذاشتند و شب همانروز که برسم ، خاطر تان هست که در منزلتان شرفیاب شدم و در آنجا متجاوز از دو ساعت و نیم ما دو بدو صحبت کردیم بنده خدمتتان عرض کردم که چند چیز سبب شد که رأی تمایل شما بدهم یکی اینکه شما از شخص شریف و خدمتگذاری میدانم و یکی اینکه دیدم حب جاه جنابعالی را کور نکرده و برای این منصب مثل بعضی ها پروبال نریخته اید و میتوانم حکم کنم که قبول این خدمت از طرف جنابعالی صرفاً برای خدمت بمملکت است جنابعالی هم عرایض بنده در این قسمت تصدیق فرمودید و فرمودید در این موقع من احساس کردم که شاید بتوانم خدمتی بکنم بعداً خیلی صحبت ها کردیم ، من اول خدمتتان عرض کردم که بنده هیچ نوع تقاضای خصوصی ندارم از هیچ وزیر و رئیس -

الوزرائی شکر خدا را که تا حال هیچ نوع تقاضای خصوصی نکرده ام هر نوع مراجعه ای که کرده ام از روی یک اصولی بوده است که اینجا بتوانم با کمال سربلندی بگویم ، نه تقاضای ارز کردم ، نه تقاضای منصب کردم ، نه تقاضای جواز کردم ، هیچ تقاضائی نکردم ، و تقاضا هائی که راجع باشخاص کردم این خوشبختی را امروز که اینجا ایستادم دارم که بچوقت نسبت بیکی از اقوام و خویشان خود تقاضائی نکرده ام (عده ای از نمایندگان - احسن) یکی از خواهرهای من الان از من رنجیده است و من از این پشت تریبون از او معذرت میخواهم و اینجا عنتش را میگویم شوهرش یک کاری داشت و انتظار داشت که من که برادرش هستم و وکیل مجلس هستم برای او اینکار را بکنم من فقط تنها کاری که در این قسمت کردم و این تنها امر خصوصی بوده که من در دوره کاتلم کرده ام این بوده که از یکی از آقایان و کلاه که از دوستان من هست خواهش کردم که راجع باین موضوع سفارش بکنند و غیر از این از هیچکس از هیچ نخست وزیر و از هیچ وزیری تقاضائی نکرده ام ، اگر غیر از این است از این آقایان وزرائی که اینجا تشریف دارند و اغلبشان در بیشتر از دولتها بوده اند خواهش میکنم بیابند اینجا بگویند تو برای یسر عمویت ، برای فلان قوم خویش ، برای فلان کس و کارت تقاضای فلان کار را کردی ، تقاضای فلان منصب را کردی ، تقاضای فلان عمل غیر مشروعی را کرده ای من خوشبختانه هیچ قسم تقاضائی از هیچکس نکرده ام و برای همین است که اینجا میتوانم با کمال سربلندی اینطور صحبت بکنم ، بآقای ساعد عرض کردم که من نیامدم وقت شما را بگیرم که بگویم فلانکس را وزیر بکنید یا فلان وزارت را بفلان شخص بدهید ، من برای تعیین کاندید نیامده ام ولی یک نظریاتی در این بکسال و چندماهه مجلس اتخاذ کرده ام و یک چیزهایی بنظرم رسیده و چون جنابعالی را مرد خدمتگزار میدانم آمده ام حضورتان عرض کنم و خوشبختانه این را تنها بایشان عرض نکردم اینرا توضیح میدهم خدمت آقایان محترم که بنده در مجلس که بوده ام همیشه طرف مثبت قضیه را گرفته ام در این مدت اگر یک دولتی روی کار آمده است حتی دولتهائی هم روی کار آمده اند که از این دوستانی که من در مجلس دارم بمن یک اعتراض شدیدی کرده اند که چرا تو بدولت فلانی رأی داده ای گفته ام رأی دادم برای اینکه شخصی است که تا بعال رئیس الوزراء نبوده من باید این شانس را باو بدهم بلکه بیاید دردی از دردهای این مملکت را دوا بدهد با بیجهت من بکابینه آقای ساعد هم رأی دادم رأی تمایل دادم و بایشان عرض کردم که من دیده ام چون جنابعالی یک تجربه نخست وزیری از سابق دارید و باصلاح هوا و هوسی هم برای اینکه دوباره رئیس الوزراء بشوید ندارید و باین جهت علاقه ای باین صندلی ندارید و میتوانید هر وقت که لازم شد این صندلی را ترک کنید بروید و چون در مجلس هم بوده اید و تجربیات پارلمانی هم دارید باین دلیل من جنابعالی رأی تمایل دادم و حالا هم خدمتتان شرفیاب شدم که نظریات خود را بگویم آنوقت شروع کردیم صحبت نمیخواهم سر آقایان را درد بیاورم دو ساعت و نیم با ایشان صحبت کردم در آن جلسه چند مطلب را خدمت

آقای ساعد عرض کردم که البته جوابهای ایشان را نخواهم گفت چه فرمودند مگر اینکه خودشان اجازه بفرمایند ولی عرایضی که من کردم خودم بخودم اجازه میدهم که آن عرایض را تکرار کنم بایشان عرض کردم در این موقع که اعلیحضرت را یک عده ای دوره کرده اند یعنی همین مطالبی که توی آن عریضه سرگشاده ام نوشته بودم تقریباً همین مطالب را خدمت جناب آقای ساعد عرض کردم و گفتم که جنابعالی باید سعی بفرمائید که این دیوار محاصره ای را که دور اعلیحضرت محبوب ما را گرفته بشکافید بایشان عرض کردم که وزرائی که مارک خورده اند مهر خورده اند در کابینه تان بیاورید اگر هم بشما میگویند که فلانکس را وزیر بکن عرض بکنید که مجلس منوبات ملوکانه را رعایت میکند منم خودم رعایت میکنم هر کس هم که در کابینه من باشد رعایت خواهد کرد ولی شایسته نیست اشخاصی که اینطور مشهور شده اند در بین مردم و در روزنامه ها که از طرف دربار تقویت میشوند اینطور اشخاص را در کابینه تان بیاورید این یک سبک است و در عرض منم اشخاص را بنده در اینجا نمیگذارم مقصودم شخص جناب آقای دکتر اقبال است (همه نمایندگان)
حاذقی - خجالت بکش حیا بکن مرد تحصیل کرده ...
کشاورز صدر - دکتر اقبال از پاکترین افراد این مملکت است . (صدای زنگ رئیس)
حاذقی - دکتر اقبال مرد تحصیل کرده و وطن پرست است .
مکی - کسی نمیگوید وطن پرست نیست بگذارید حرفش را بزنند .
دهقان - آقا اگر دربار او را تقویت کند گناه است خارجی ها باید نسخه اش بدهند بیاید بخواند (زنگ رئیس)
نایب رئیس - آقای دکتر بقائی بنده بارها استدعا کردم که اسم اشخاص را نبرید .
دکتر بقائی - من چه توهینی کردم ؟
نایب رئیس - شما دارید میگویند چرا فلان وزیر مارک دار را در کابینه خودتان آورده اید این بزرگترین توهینی است که شما بیک وزیر کرده اید بشما چه مربوط است شما استیضاح خودتان را بکنید اگر دولت یک کار بدی کرده شما باید او را خاطر نشان بکنید دکتر اقبال از شریف ترین وزرای این مملکت است .
دکتر بقائی - مگر من گفتم که دکتر اقبال شریف نیست ؟ من کی همچو حرفی زدم ؟ من میگویم بآقای ساعد عرض کردم که آقای دکتر اقبال را بیاورید توی کابینه تان . (حاذقی - حق نداشتید) عجب چیز غریبی است ! آقایان حق دارند بروند بگویند که فلان و فلان را بیاورید توی کابینه من حق ندارم بگویم فلانی را بیاورید ؟ (دهقان - یک مشت دیوانه را آوردند هر غلطی میخواهد بکند)
آقای دهقان تشریف نبرید بفرمائید جوابتان را میخواهم بدهم .
رحیمیان - آقای رئیس مگر یک نفر وکیل اظهار عقیده اش آزاد نیست ؟
مکی - جرم است .
حائری زاده - جرم است .
نایب رئیس - نظامنامه را بخوانید وکیل حق

ندارد نسبت بوزیر امانت بکنند.

دکتر بقائی - آقایان چه امانتی کردم؟ مگر من چه گفتم؟

فولادوند - من اخطار نظامنامه ای دارم.

دکتر بقائی - بفرمائید حضرتعالی هم اخطار تانرا بکنید.

نایب رئیس - آقای فولادوند.

فولادوند - در این ماده میگوید نماینده ای که نسبت بیک یا چند نفر از هیئت دولت فحش داده یا تهدید نماید یا نسبت ببولت توهین نماید.

رحیمیان - چه فحشی داد؟

حاذقی - مارک کجاء دارد بفرمائید؟ یک مرد تحصیل کرده وطن پرستی است دکتراقبال عجب گرفتاری دماغوزی است.

دکتر بقائی - حاج آقا گوش بدهید.

نایب رئیس - من در اول جلسه مخصوصاً از آقایان استدعا و خواهش کردم که با نهایت بیطرفی و آزادی همان آزادی را که آقای دکتر بقائی قائل نیستند و چند ساعت مجلس باین مهمی را مشغول میکنند و من هم اجازه میدهم هر بیانی دارند بکنند بشرط اینکه توهین نکنند، شما حق ندارید بدیگران توهین بکنید (دکتر بقائی - من توهین نکرده ام) جز این که اگر دولت کار بدی کرده است بگوئید.

رحیمیان - اسم درخت هارابیرید اسم کوه ها را بیرید.

دکتر بقائی - ... آقای امیر حسین خان جنابعالی جناب آقای امیر حسین خان نارتان رفته گویا که در آن دوره ۲۰ ساله بر شما و خانواده شما چه گذشته گویا یادتان رفته که وقتی که صو زاده ما و برادران شمارا میکشتم ما درین شهر بانی بدارو خواهران شما اجازه ندادند که بر آنها گریه کنند (زنک رئیس) من دارم از حقوق شما دفاع میکنم من میخواهم جلو گیری کنم که شدید تر از آن ایجاد نشود.

مکی - فراموشکارند.

نایب رئیس - خواهش میکنم متن استیضاح را بفرمائید.

دکتر بقائی - ... یک مطلب با آقایان محترم میخواهم عرض کنم خودتان قضاوت بفرمائید در همین دوره، در همین مجلس در موقع استیضاح نماینده ای آمد پشت این تریبون هزار گونه امانت بوزراء کرد و آن هارابی شرف خواند، آنها را جاسوس خواند مدرک خواند غیر مدرک خواند هزار گونه حرف زد یکی - چیزی بهش نگفت (کشاورز صدر - آقا بهش گفتیم عباس اسکندری را میگوئید) آنوقت من در اینجا با کمال احترام و رعایت ادب یک عقیده ایرا که بعنوان یک نماینده مجلس در ششماه قبل بنخست وزیر مملکت اظهار کرده ام تکرار میکنم، نه توهین است نه فحش است هیچکدام از اینها نیست دارند اینجور هو میکنند.

رحیمیان - برای وکالت دوره ۱۶ است **کشاورز صدر** - برای این است که شما وکیل نشده اید

رحیمیان - من میشدم هم قبول نمیکردم **دکتر بقائی** - آقایان یادیاورید. آقای ساعدمن نمیخواهم از شما استخاض بکنم ولی ممکن بودا گر بخواهم شما را قسم بدم بفرمائید تا آنکه بیاید پشت این تریبون

وبگوئید آتهائی که بن اعتراض میکنند اینها آمده بودند فلان وزیر و فلان وزیر را تحمیل بکنند. ولی من که وزیری تحمیل نکرده ام بلکه بعنوان یک نماینده مجلس رفته ام و عقیده خودم را اظهار کرده ام این گناه است؟ (فولادوند - آقای دکتر هر مطلبی دارید بگوئید ولی توهین نکنید) چه توهینی کرده ام؟ وزیر مارک دارد، مارک دربار دارد توهین است؟ مارک دربار که افتخار است. شما که میگوئید بجوی از انحاء توهین میکنند

نایب رئیس - تمام وزراء از طرف اعلیحضرت همایونی انتخاب میشوند.

دکتر بقائی - حقیقت را بکل انیشود اندود هر که گوید کلاغ را باز است

نشونش که دیده با باز است آقایان هر چه اینها را اینجا تکذیب بکنید فایده نخواهد داشت مردم میدانند، مردم می فهمند مردم امروز مردم بیست سال پیش نیستند (مکی - صحیح است) اگر نمیترسید بگذارید من حرفهایم را بزنم بعد بر علیه من لازم نیست سلب مصونیت هم بکنید بگوئید من استعفا میدهم مرا بجا که جنب بکنید ولی نه معاکمه ای که گفتم و دادستانش این شخص باشد (خنده حصار) یک معاکمه ای که اشخاص شریف آنجا باشند در آنجا بجا که جلب کنید بگوئید تو توهین کردی، نشرا کاذب کردی محکوم کنی من هیچ حرفی ندارم ولی این هیاهو دلیل این است که نمیخواهید بگذارید حقایق گفته شود. من میخواستم که آقای دهقان هم اینجا باشد که این حرفها را بشنود. (در این موقع مجلس از اکثریت افتاد و پس از چند لحظه مجدداً اکثریت حاصل شد)

نمایندگان - بفرمائید.

نایب رئیس - بفرمائید.

دکتر بقائی - عرض کردم دلم میخواست آقای دهقان هم اینجا بودند که این عرضی که آنان خدمت آقایان میکنم ایشان هم بشنوند خواهش میکنم که رفقایشان بایشان هم بگویند در عریضه سرگشاده ای که به پیشگاه اعلیحضرت همایونی تقدیم کردم اشاره کرده ام بدرباریان متعلق و مغرضین چاپلوس که مانع میشوند حقایق گفته شود و بگوش شاهنشاه برسد، آقایان شما هم حرفهای مرا در یاد اینجا میشوند.

فرامرزی - آقای کشاورز صدر اخطار ۱۰۹ دارند.

کشاورز صدر - آقا شوخی نکنید آقای فرامرزی من برای مملکت دارم میگویم.

رحیمیان - آقای رئیس چه میگوید این مرد که وفوری، شیرهای. (تشنج شدید در مجلس صدای زنک رئیس)

کشاورز صدر - خفه شو جاسوس روس.

رحیمیان - آقا وقتی که نمیکذارند مجلس انتظام داشته باشد چرا مجلس را تشکیل میدهند؟ (خطاب بکشاورز صدر) برو شیرهای شیرات را بکش

مکی - (خطاب با آقای کشاورز صدر) تو برو قاچاق تریاک کن.

نایب رئیس - آقای کشاورز چرا بی اجازه حرف میزید.

کشاورز صدر - فحش میدهد.

رحیمیان - من چه فحشی دارم.

نایب رئیس - آقای رحیمیان صحبت نکنید آقایان ساکت باشید آقای دکتر بقائی آقای وزیر کشور تقاضا کرده اند که آقا توضیح بدهید مارک من چیست.

دکتر بقائی - من میخواهم توضیح بدهم نمیکذارند همه را من توضیح میدهم هر جا هم که از رعایت ادب خارج شدم بجناب عالی اجازه میدهم که بزیند توی دهن من، نه اینکه اخطار بکنید بزیند تودهن من عرض کنم خدمت آقایان یک حکایتی یاد آمد میگویند یک سال در یک جنگلی قطع شده بود یک عده شیروگرک و ببر و روباه و پلنگ اینها شکار گیرشان نیامده بود بخوردند فکر کردند که چکار بکنند یک الاغی هم آنجا بود جمع شدند دور هم بی مشورت مجلس آراستند نشستند و راه قضیه را مطرح کردند که بله علت اینکه اسماں ما آذوقه ای گیرمان نیامد و خشکسالی شده نه گوشتی گیرمان میاید و نه علف برای این است که یکی از ماهها یک گناهی کرده ایم و خدا غضب کرده بیائیم بنشینیم و گناهانم را بگوئیم که معلوم شود کی گناهش بیشتر است همه تصدیق کردند شیر گفت بله من یک روزی رد میشدم یک آدمی را دیدم و پاره اش کردم گفتند حقتان بوده غلط کرد از آنجا رده (امیر تیمور - شأن شما بود) بله شأن ایشان بوده کرک گفت که یک گله ای رد میشدمن دوتا گوسفند از این گله گرفتیم خوردیم گفتند تو هم خوب کاری کردی وظیفه ات این بود تو باید گوسفند بخوری پلنگ و سایرین همه هر کدام یک چیزی گفتند و جوابی داده شد در این ضمن آن الاغه گفت من هر چه فکر میکنم گناه بزرگی نکرده ام فقط یکروز فصل بهار بود من از یک چمنی رد میشدم این علفها جوانه زده بود و یک شبنمی روی اینها بود و یک تالو عجیبی داشت این سبزه های چمن یک منظره عجیبی داشت من ناچار شدم یک دهن زدم باین چمن و یک دهن خوردم از این چمن همه گفتند این گناهکار است این است که گناه کرده و غضب خداوندی را درست کرده باید این را مابتنیه برسانیم همه رشان را تکان دادند و تصویب کردند بالاخره الاغ را پاره کردند و خوردند حالام آن الاغه بنده هستم (دوسه نفر از نمایندگان - صحیح است) بله صحیح است خودم دارم میگویم گناه من این است که رفته ام بنخست وزیر مملکت اظهار عقیده کرده ام آقایان فشار نیاورده ام تهدید نکرده ام، تحمیل نکرده ام اظهار عقیده نکرده ام با دلایل گفته ام که فلان شخص شایستگی اینکه در کابینه شما وزیر باشد ندارد، این گناه بنده است ولی آتهائی که میروند وزیر تحمیل میکنند آتهائی که میروند مدیر کل بر میدارند و مدیر کل نمیکذارند، آتهائی که رئیس عدلیه عوض میکنند و پیشکار دارائی عوض میکنند، آتهائی که جواز میگیرند، آتهائی که قاچاق میکنند، آتهائی که جنایات دیگری میکنند آنها هیچ گناهی ندارند، تمام گناهان مال این خریبچاره است (مکی - آن کارها در این کشور و وطن پرستی است) تمام گناهها مال من است که در این موقع بهار نتوانستم تحمل بکنم که این مردم بدبخت و بیچاره یک بار دیگر وزیر چکمه های دیکتاتور بیفتند گناه من است (مکی - شما اسباب افتخار هستید) گناهمن است و من محکوم هستم ولی آقایان آن شیرو آن روباهها و آن گرگها

و آن خرس ها بآن خر بیچاره اجازه دادند که بگناه خودش اقرار بکنند شما هم باین خر بیچاره اجازه بدهید که گناههای خودش را اقرار بکند، بگذارید من حرفم را بزنم اگر نتوانستید جواب بدهید جواب بدهید، ولی چون نمیتوانید جواب بدهید نمیکذارید من حرفهایم را بزنم (رحیمیان - چون جواب ندارند هیاهو میکنند) اگر جواب درست داشتید دهن مرا خورد بکنید بگذارید من حرفهایم را بزنم، در آن عریضه پیشگاه اعلیحضرت همایونی عرض کرده بودم که یک عده درباری متعلق و یک عده مغرضین چاپلوس دور اعلیحضرت را محاصره کرده اند و نمیکذارند حقایق بسمع شاهنشاه برسد، البته اینها برای اینکه محاصره کامل باشد باید نگذارند که هیچکس حقیقت را بفهمد، نکند که یک شخص احمق پیدا بشود و برخلاف میل آنها غیر مترقبه حقایق را بشاهنشاه عرض کند باین جهت میخواهند مردم هم حقایق را ندانند آقایان شما هم در این حرفهای مرا گوش میدید کجای حرف من توهین بود؟ کجای حرف من مستوجب اخطار نظامنامه ای دارد آیا جز این است که همین دستها همان باندهی که دور شاه را گرفته اند همانها هیاهو میکنند و نمیکذارند من حرف بزنم؟ شما ببینید در این مجلس ۸۰ نفر وکیل نشسته فقط کسانی بن اعتراض میکنند، فقط کسانی بن اعتراض میکنند که نوکر رزم آرا هستند.

(کشاورز صدر - مگر رزم آرا گناهکار است؟) الان ثابت میکنم گناهش را. (حاذقی - من نه با ارتش و نه بالشکری هیچ ارتباط ندارم ولی حرف ایشان امانت با اکثریت مجلس شورای ملی است.) اکثریت نیست. فقط پنج نفر در بین حرف من اعتراض میکنند. (حاذقی - این دیوانه زنجیری را باید بفرستند تیمارستان) آقای رئیس اینها توهین نیست!

نایب رئیس - آقای حاذقی شما اخطار میکنم شاحتی ندارید یک نماینده دیوانه بگوئید.

حاذقی - چرا امانت میکند کی نوکر رزم آرا است!

نایب رئیس - آقای حاذقی شما حق ندارید توهین بکنید.

کشاورز صدر - چرا ایشان توهین میکنند؟

غضنفری - (خطاب بدکتر بقائی) شما هم نباید توهین بکنید؟

دکتر بقائی - عجب از آنجا هم صدا درآمد، الحمدلله، شماراهم منبوسم آقای غضنفری.

نایب رئیس - آقای دکتر بقائی شما اگر استیضاحی دارید بفرمائید.

دکتر بقائی - آقا در این مجلس هشتاد نفر نشسته اند چرا فقط پنج نفر بحرف من اعتراض میکنند؟ هیاهو میکنند؟

کشاورز صدر - اکثریت مجلس با این حرفها مخالف است.

دکتر بقائی - خیر مخالف نیست اگر مخالف بود همه هیاهو میکردند من میخواهم همه بگویند، همه هیاهو بکنند، سایر آقایان هم بگویند تا حالا چهار پنج نفر مشتاختم امروز (اشاره با آقای غضنفری) آقا را هم شناختم.

کشاورز صدر - رأی که با استیضاح دادند معلوم میشود کی مخالف است؟ (زنک رئیس)

حاذقی - چرا آنوقت ایشان اعتراض نکرد بان وزیر کشور. (زنک رئیس)

نایب رئیس - آقای دکتر شما یک توهین بوزیر کشور کردید و گفتید مارک دار است.

دکتر بقائی - مارک دربار گفتم مارک خارجی نکتم.

نایب رئیس - اگر وزیری مورد توجه دربار باشد این دلیل وطن خواهی است (حاذقی - آقای دکتر اقبال یکی از وطن پرستان مملکت است) حرف تزیید آقای حاذقی. شما آقای دکتر بقائی توهین میکنید بنمایندگان و نمایندگان را نوکر رئیس ستاد ارتش میخوانید حال آنکه ایشان اینجانیستند.

دکتر بقائی - جناب آقای وزیر جنک شما مسئول ستاد هستید؟

وزیر جنک - بله.

دکتر بقائی - بسیار خوب پس بعد از این طرف خطاب من جنابعالی هستید.

نایب رئیس - آقای دکتر بقائی اگر چنانچه بعد از این یک کلمه توهین آمیز مانند این توهین هائی که میکنید بکنید ...

(در این موقع عده ای از نمایندگان از مجلس خارج شدند)

نایب رئیس - چند دقیقه تنفس داده میشود. (ساعت بازده جلسه بعنوان تنفس تعطیل و پس از یک ساعت مجدداً تشکیل گردید)

نایب رئیس - جای بسی تأسف است که بنده مکرر خواهش کردم از آقای دکتر بقائی، استیضاح کننده و آقایان نمایندگان دیگر که سعی و جدیت بکنند که در مذاکراتشان توهین بدیگران نشود (صحیح است) متأسفانه رعایت این نکته نشده است و اگر چنانچه رعایت این نکته نشود، بنده جداً جلوگیری خواهم کرد و حتی ناطق را از صحبت بکلی باز خواهم داشت (صحیح است)

دکتر بقائی - بهترش هم همین است که این حرفها در اینجا زده نشود.

نایب رئیس - چنانچه اکثر نمایندگان پیش من شکایت کردند که بواسطه توهینی که بوزرا که اکثریت نمایندگان پشتیبان آن است بوهین نمایندگان توهین شده است، آقای دکتر بقائی متوجه بشوند برای مجلس از اینکه هفت جلسه در مجلس حاضر نشوند، ولی چون من میخواهم استیضاح ایشان در محیط کاملاً آزاد انجام بگیرد و مردم هم بدانند متن استیضاح ایشان چیست از این فکر صرف نظر کردم و از آقایان هم خواهش کردم که از این پیشنهاد خودشان صرف نظر بکنند، بشرط اینکه آقای دکتر بقائی هم با نهایت نزاکت متن استیضاح خودشان را اظهار بفرمائید، از قابل فونتین و حکایات و روایات و اینها صرف نظر بکنند، آنچه چیزی را که از دولت میخواهند همانرا اظهار کنند تا دولت برای جواب حاضر شود (صحیح است) آقای دکتر بقائی یک مطلبی فرمودند و اتکاء کردند به استیضاح اولیه که آقای اسکندری یک حرفهای زدن چرا من نزنم؟ بنده بایشان تذکر میدهم که اگر یک عمل خلاف قاعده می شده است باید تکرار بشود؟ (صحیح است) با بودن بنده جلوگیری خواهد شد. خواهش میکنم آقای دکتر بقائی بدانند که وقت مملکت ذیقبت است و مجلس کارهای فوق العاده مفید دارد و استیضاح خودتان را مختصر بفرمائید

و همان مطالبی را که میخواهید دولت جواب بدهد بفرمائید. موضوع دیگر اینست اشخاصی را که در مجلس نیستند و اشخاصی که طرف استیضاح آقای دکتر بقائی نیستند نفرمائید، یعنی چه؟ یعنی یک نماینده ای حق دارد از دولت استیضاح کند نه از مردم خارج. بدولت باید تذکر بدهد که اینکار توسط فلان شخص شده است. و در ضمن که نام آن شخص برده میشود نباید با توهین توأم باشد (صحیح است) کلمات بی شرف یا خائن یا این چیزها معنی ندارد گفته شود جز اینکه ثابت شود که کسی خیانت کرده است (دکتر بقائی - بشرط اینکه اجازه بدهید ثابت شود) یک نماینده نباید هم مستطق و هم قاضی بوده و هم خودش رأی بدهد این است تذکرات بنده با آقای دکتر بقائی اگر لازم میدانید مواد نظامنامه در این مورد خوانده شود و اگر احتیاج نمی بینید همین است که بنده عرض کردم و از آقای دکتر بقائی خواهش میکنم و استدعا دارم که در توضیح رعایت بفرمائید که باشخص توهین نکنید (دکتر بقائی - توهین را تعریف بفرمائید) و استیضاح خودتان را مختصر کنید و در آن موضوعی که دولت رامشول میدانید بفرمائید استیضاح را مختصر بکنید.

رحیمیان - آقا از اعتراض نمایندگان هم جلوگیری بفرمائید.

دکتر بقائی - بنده اول از آقایان محترم، از همه دوستانم خواهش میکنم که یک موضوعی را به بنده کمک بفرمائید و تعریف توهین را برای من بنمایند تا من بدانم چه چیز توهین است و از آن خودداری کنم بعداً هم دومطلب را میخواهم عرض کنم آقایان همه عرایض بنده را در اینجا حاضر بودند و شنیدند که من چه حرفهای زدم و خود آقایان بهتر قضاوت میکنند که کجایش توهین بود و کجایش توهین نبود ولی جناب آقای حاج ابوالفضل حاذقی نماینده چهارم در همین جلسه، در همین مجلس در جلسه رسمی پن دو چیز فرمودند یکی فرمودند احمق و یکی فرمودند تو دیوانه زنجیری هستی اینها توهین نیست اینها توهین نیست من میدانم، و اما یک موضوع دیگر وقتی که جلسه تمام شد و ما رفتیم بیرون جناب آقای احمد دهقان نماینده خلدخال بنده فرمودند مرد که تو غلط میکنی، بله من مرد که هستم من احمق هستم، من دیوانه هستم، تمام این چیزها هستم ولی آقایان بدانید آن جمله ای که من در آخر کاغذ نوشته بودم آنرا از روی تصمیم و از روی وجدان نوشته بودم آن عریضه ای که من پیشگاه ملوکانه عرض کرده بودم من ادبیات نبافته بودم، من تا پای جان این جا حاضر هستم، کسی که دست از جان بشوید هر چه زود در دار میگوید، یا اینکه بمن مرد که بگویند آقای دهقان، و احمق بگویند جناب آقای حاج حاذقی من از میدان در نمیروم من از این فحشها بالاتر برای خود خریدم ام و بعداً پیرونده سازیش را خریدم و میبینم چیزهایی که در این مملکت بعداً اتفاق خواهد افتاد این یک مطلبی بود که بعداً خدمت آقایان میخواهم عرض کنم حالا بطور مختصر عرض میکنم میدانید که محاکم در روسیه شوروی یک طرز عجیبی دارد تا زگی هم ندارد چندین سال است شاید از ۱۹۳۵ به بعد است خاطر من نیست یا از ۱۹۳۶ که یک عده از حواریون لنین را آقای استالین فرستاد

بمحکمه ، يك پير مردهای محترمی بودند اینها را معاکمه کردند البته معاکمه هم علنی بود روزنامه نویسهای خارجی هم بودند اینها بجایانی اقرار کردند که ممکن نبود آنها آن جنایات را مرتکب شده باشند و آن معاکمه در آن موقع برای آقایانیکه روزنامه میخواهند در خاطرشان هست که در دنیا تولید يك بهت عجیبی کرد که چطور شد مثلا آن اسامی روسی درست خاطر م نیست ، یکی از اینها پیر مردی هشتاد ساله بود که اقرار کرده بود که من جنایتکارم و فلان کار خلاف قاعده ای کرده ام بعد معلوم شد که روسهای شوروی يك دواشی کشف کرده اند کوقتی با آنها میخورانند یا با آنها تزریق میکردند آنوقت آنها تحت تأثیر اظهارات مستطلق قرار میگرفتند و هرچه بهشان تلقین میشد عیناً در محکمه میگفتند چون ما هم با قدمهای سریع بطرف تمدن پیش میریم من مبینم آن مقاماتیکه نقاط حساس مملکت ما را الان اداره میکنند اطبا عدرا آنجا هستند استفاده خواهند کرد از روش نوین شوروی و در محاکم ما این را بکار خواهند برد ممکن است از این ماده بمن تزریق کنند و بنده بیام در محکمه خیلی چیزها را اعتراف کنم ، این ها ممکن است و بیه تمام اینها را من بشن خود مالیده ام من افتخار دارم که جناب آقای احمد دهقان نماینده خلخال بمن بگوید مرد که من کمال افتخار را دارم که ایشان و امثال ایشان از این چیزها و بزرگتر از اینها بمن بگویند و توی سر من هم بزنند ، این کمال افتخار برای من و برای خانواده من و برای دوستان من خواهد بود ، کمال افتخار است برای من که جناب آقای حاذقی نماینده جهرم بمن بگوید احمن تومی فهمی تو دیوانه ای تو دیوانه زنجیری هستی ، اینها جزء افتخارات خانوادگی من است ، فرزندان من باین نجشها افتخار خواهند کرد ، برای آقای احمد دهقان نماینده خلخال من مرد که هستم و برای آقای حاذقی نماینده جهرم اححق هستم ، بلی هستم تصدیق میکنم ، اما آقایان اینها توهین نیست ، اینها توهین نیست ، ولی اگر در حضور مجلس من با کمال احترام عقیده ای را که بجناب نخست وزیر در چند ماه قبل عرض کرده ام بگویم این توهین است این یادتان باشد ، آن سیخی که در جلسه اول گفتم داغ شده سوزش آن در هر ساعت بیشتر میشود ، آقایان ممکن است الان در این جلسه من را عفو کردند برای این توهینهایی که کردم و اجازه دادند که صحبت کنم ولی هر قدر که جلوتر برویم ، هر قدر که گوشه پرده را من بالا بزنم ، هر قدر که جنایتها و خیانتها را بیشتر بگویم گناه من بیشتر خواهد شد ولی من از خدا میخواهم که مرا نه برای هفت جلسه بلکه برای همیشه از مذاکره در جلسه محروم کنید ، چون انتظار سلب مصونیت را هم دارم و خوشوقت هم خواهم شد ولی بدانید که تا مبارزه من تمام نشود من از مجلس خارج نخواهم شد و اگر بنا باشد شبها تا صبح بنشینم و حرفهای خود را بنویسم صفحه صفحه و منتشر بکنم خواهم کرد مردم حقایق را خواهند دانست ، یا آن حقایق را که می دانند توجه خواهند کرد من از اینجا خارج نخواهم شد تا همه حرفهای خود را بنویسم ، اگر مرا از مذاکره محروم بکنید افتتاح خودتان را بیشتر کرده اید ، من میخواهم بدینا جنایتهایی

کودک این مملکت میشود ثابت کنم و بگویم ، شما نمیتوانید مرا از گفتن محروم کنید ، البته با رأی میتوانی اینکار را بکنی ولی اگر بکنی افتتاح بیشتر خواهد شد ، خدارا شکر میکنم که الان من در وضعیتی قرار گرفته ام که با تحنن در مجلس نصف استیضاح خودم را گفتم و با نتیجه میدانم آن کسانی که روز اول تحنن من مأموریت از جاهای ناشنود میآیند و اصرار میکردند که من از تحنن خارج بشوم ، آنها میگویند که اشخاص را مأمور کرده بودند خوب فهمیده بودند که تحنن چه معنی دارد ، پس باصل تحنن من نصف استیضاح خودم را گفتم اما نصفه باقی مانده را یاد اینجا میگویم و یا اگر مرا محروم از گفتن بکنید نفس محرومیت نصفه دیگرش را خواهد گفت همانطور که تحنن نصفه اول را گفت ، من از خدا میخواهم ، خدارا شکر میکنم که من الان در وضعیتی قرار گرفته ام که بهر وسیله ای صدای من خاموش شود بقیه استیضاح من گفته خواهد شد منم همینها را میخواهم ثابت کنم ، اگر راست میگویند ، اگر مأموریت ندارید ، اگر بشما دستور نداده اند بنشینید حرفهای مرا گوش کنید ولی من بخوبی میدانم که این اسراری کدر سینه من نهفته است و این مدارکی که در اینجا دارم اینها جواب ندارد ، جواب نمیتواند باین حرفها بدهند ، با نتیجه مرا تهدید میکنند که هفت جلسه از مذاکره و حضور در مجلس محروم میکنند ، من از خدا میخواهم آقای ایخان که هفتاد جلسه مرا محروم بکنید برای اینکه خود آن محرومیت بقیه حرفهای مرا خواهد گفت و من مجبور نخواهم بود که اینجا گلزی خودم را بپاره کنم و گوش حضار را بخراشانم

نایب رئیس - آقای دکتر بقائی بنده در اول جلسه هم عرض کردم که شما نهایت آزادی را دارید که هر مطلبی را که میخواهد اینجا بفرماید بشرطی که بدیگران توهین نکند (دکتر بقائی - توهین را تعریف بفرمائید) تکرار در حرف نکنید و استیضاحی که از دولت دارید بفرمائید ، جلسات مجلس راهم قدر وقت بگذارید چون مجلس کارهای دیگر هم دارد .

دکتر بقائی - خواهش میکنم توهین را تعریف بفرمائید .

نایب رئیس - شما حق ندارید یک سرهنگی ولو هر قدر بد باشد در این جا بگویند بشرف (صحیح است) این را مجلس و دنیا بشما اعتراض میکنند جز اینکه بفهمید و ثابت شود که این آدم بد است و بد کرده است و باید مجازات شود .

مکی - چطور دادستان در محکمه گفته است .

نایب رئیس - دادستان هم حق ندارد بگوید .

مکی - خودش در محکمه گفته است .

دکتر بقائی - عرض کردم که در جلسات بعد ممکن است برای حرفهای کوچکتری مرا تنبیه کنند الان از همین مذاکرات اتخاذ سند میکنم چون از مذاکرات امروز نتوانستند چیزی بدست بیاورند رفتند چسبیدند بمذاکرات دیروز .

نایب رئیس - وزیر کشور مارک دار یعنی چه .

دکتر بقائی - اجازه بفرمائید مگر گفتم مارک خارجی دارد ، بنده خودم هم مارک دارم .

نایب رئیس - دکتر اقبال یک نفر آدم شریفی

است که طرف توجه همه است (صحیح است) هیچ معنی ندارد شما اگر با رئیس ستاد ارتش فرمایشی دارید او طرف استیضاح شان نیست شما از وزیر جنگ باید استیضاح بکنید تصور میکنید که بنده هم اینجا نشسته ام و هیچ جوابی بفرمایم شما نخواهم داد و اجازه نخواهم داد که هر چه میخواهد بگوید ۱۲ همه نشسته اند و بفرمایم شما گوش میدهند و هیچوقت من ندیده ام که اینقدر مجلس برای شنیدن حاضر باشد همه هم گوش میدهند و هم وقت میکنند حتی از اکثریت هم نمیافتد که آقا مطالب خودتان را بفرمائید .

حاذقی - من گفتم که دیوانه زنجیری میشوید . عطف بامسابق کردم .

دکتر بقائی - عطف بامسابق مال پیش است حاج آقا ، این عطف بامبعد است (خنده نمایندگان) خدایا مرزد حافظ شیرازی را که میفرماید ، از کران تابکران لشکر ظلم است ولی از ازل تا به ابد فرصت درویشان است متأسفانه حافظ را هم نشود بعنوان ماده حکومت نظامی بدادگاه کشانید (خنده نمایندگان) بنده پیش از اینکه عرایض را ادامه بدهم خواهش میکنم آقایان گوش بدهند بعد بگذارند من اگر يك کلمه ای را گفتم معنایش را هم بگویم بدینا باین اعتراضی که میخواهند بکنند و هر ایرادی که دارند بگیرند عرض میکردم که در عصر روز سه شنبه ای که جناب آقای ساعد رأی تمایل گرفته بودند بنده از ایشان وقت گرفتم خدمتشان شرفیاب شدم و يك تذکراتی حضور ایشان عرض کردم و يك نظریاتی راجع بتشکیل کابینه خدمتتان عرض کردم راجع بصلاحت بعضی از اشخاص که صحبت بود وارد کابینه بشوند صحبتهایی کردم و همان طور که عرض کردم خدمت آقایان محترم بنده اول تمام حجت میکنم بعد ایراد میگیرم هر گز برای مطلبی که تمام حجت نکرده باشم ایراد نمیگیرم بنده بجناب آقای ساعد عرض کردم که وقتی که جناب آقای هژیر کابینه خودشان را معرفی کردند در يك مجلسی که پنج شش نفر از کلا حضور داشتند بنده يك عرضی خدمت جناب آقای هژیر کردم اگر آقایان اجازه میدهند آن عرض را تکرار کنم (منصف) اگر مربوط استیضاح است بفرمائید ، مربوط استیضاح هست چون این را با آقای ساعد هم عرض کردم من به آقای هژیر عرض کردم که شما خطم کردید که آقای دکتر اقبال را بوزارت فرهنگ معرفی کردید (فولادوند اکثریت غیر این عقیده دارد) خیلی خوب ولسی من اجازه دارم عقیده خودم را بگویم زیرا جناب آقای دکتر اقبال وزیر بهداشت خوبی ممکن است باشد ولی روی تجربه ای که در چند روز وزارت فرهنگ سابق ایشان من دارم اگر آقایان بخاطر داشته باشند روزی که آقای دکتر صدیق بوزارت فرهنگ انتخاب شدند در خارجه بودند و بیست و روز آقای دکتر اقبال وزارت فرهنگ را با وزارت بهداشت اداره میکردند چون ایشان همیشه بدک میکنند وزارت فرهنگ و وزارت بهداشتی (بهداری - خیلی هم خوب کار کردند) خیلی هم خوب کار کردند من نگفتم که بد کار کردند من هنوز چیزی نگفتم شما میگویند خوب کار کردند بنده هم توی رادیو بدون اینکه حرف

مرا بگویند میگویند خوب کار کرده اند ، بنده کراج بکار کردن ایشان صحبت نکردم ، عرض کردم روی آن تجربه بیست روزه کار ایشان که در وزارت فرهنگ داشتم حضور جناب آقای هژیر عرض کردم شاهد های این قضیه هم آنان در این مجلس هستند ، عرض کردم که انتخاب جناب آقای دکتر اقبال بوزارت فرهنگ خط است ممکن است جناب عالی جناب ایشان را در همان وزارت بهداشت میگذاشتید زیرا ایشان در وزارت فرهنگ خودشان را مفتضح خواهند کرد ، وزارت فرهنگ را بهم خواهند ریخت و اسباب تصدیع دولت راهم فراهم خواهند کرد این آقای هژیر هستند ممکن است آقایان بپرسند برای این عرض چند تا شاهد هم در این مجلس دارم گذشت چند ماهی از این قضیه گذشت دیدیم وزارت فرهنگ بهم ریخت (کشاورز صدر - توده ای هارا بیرون ریختند) میدانم آقای کشاورز صدر اگر من نگفتم شما بگویند ایشان چندین کار خوب در وزارت فرهنگ کردند که برای اینکه توهین نباشد من آنها را هم عرض نخواهم کرد ولی يك کارش را من میگویم و آن این است که يك عده معلمین را که چند تا ایشان هم توده ای بودند آنها را در وسط سال منتقل کردند از جاهایشان (یعنی اسفندیاری - چند تا از توده ای ها را) چند تا از موکلین خود حضرتعالی هم بودند این موضوع هیاهویی در وزارت فرهنگ برپا کرد که جناب آقای دکتر زنگنه کاملاً در بان هیاهو هستند و جناب آقای ساعد هم وارد هستند برای اینکه در آن شبی که عرض کردم این جریان را بنده بعرض ایشان رساندم تمام معلمین اعم از دبیر و آموزگار اعتراض کردند هیئت جامعه لیسانسهای وزارت فرهنگ شدیداً باین قضیه اعتراض کردند جناب آقای دکتر اقبال دیدند وضعیت بد شد يك هیئت فلابی در برابر این هیئت تشکیل دادند هر کب از سی چهل نفر در ابتدا که این هیاهو شد حقیقت قضیه بنده درست وارد جریان نشده بودم خیال کردم دودستگی در وزارت فرهنگ درست شده بعد دیدم که یکطرف چندین هزار نفرند يك طرف سی چهل نفر باین جهت در يك دعوتی که از من شده بود از طرف هیئت قدیمی لیسانسهای دانشسرا ، عالی و فارغ التحصیل - های دانشسرای مقدماتی در تالار دانشکده ادبیات من رفتم آنجا و بوضعیت آنها رسیدگی کردم در آن شب آقایان متجاوز از دوهزار نفر معلم بود یعنی شریفترین کسی که در این مملکت میتواند باشد .

نایب رئیس - این استیضاح از کابینه آقای هژیر است ؟

دکتر بقائی - این استیضاح از کابینه آقای هژیر نیست من مقدمه میچینم که حرفها بزنم وسط مقدمه بنده خواهش میکنم قطع اکلاً نکنید متجاوز از دوهزار نفر از شریفترین افراد این مملکت که با ما می ۱۰۰ تومان و ۲۰۰ تومان روزی ۱۲ ساعت تا ۸ ساعت کار میکنند و بچه های شما را تربیت میکنند آنجا حاضر بودند توی این دو هزار نفر من بشرافت قسم میخورم که بیش از دویست تا توده ای نبود و قسم میخورم بشرافت که اینها صرفاً برای دفاع از حقوق خودشان جمع شده بودند و هیچ جنبه سیاسی نداشت من برای آنها حرف زدم و همان پیش گوئی که به جناب آقای هژیر گفته بودم باینها گفتم ، گفتم که بلی من چند ماه پیش از این همین پیش گوئی را کردم بجناب

آقای هژیر گفتم که وزارت فرهنگ اینطور خواهد شد و آقایان که خاطرشان هست میدانند که آن افتتاح فرهنگ بی تأثیر در سقوط کابینه جناب آقای هژیر نبود میدانند که یکی از افتخارات جناب آقای ساعد و جناب آقای دکتر زنگنه این بود که این موضوع را حل کردند چون بنده پیش از اینکه آقای دکتر زنگنه وزیر فرهنگ بشوند این مراتب را با ایشان عرض کردم حضور جناب آقای ساعد هم عرض کردم آقایان رسیدگی کردند و دیدند کار خطی شده است باین جهت دستور دادند که پرونده اینها برود بمعکله اداری پرونده ها رفت بمعکله اداری وزارت فرهنگ و محکمه اداری تصدیق کرد که اینها گناهی نداشته اند و لزومی نداشته است که اینها را انتقال بدهند و گمان میکنم غیر از دو سه نفر باقی را با تأدیج خرج سفر و دلجوئی بمحل خودشان فرستادند ، این اعتراضی که من بجناب آقای دکتر اقبال دارم برای اینچنین کارها است و يك موضوع راهم باید حضور جناب آقای نایب رئیس عرض کنم که من خورده حساب با کسی ندارم و خورده حساب با کسی پاک نمیکنم ولی امیدوارم ، امیدوارم که مجبور نشوم در پشت تریبون صحبت از خورده حساب بیاورم و الا نه بر مرده بپرزنده باید گریست . جناب آقای دکتر اقبال در موقعی که وزیر فرهنگ بودند دستور دادند که از دانشجویان تعهد گرفته شود که در سیاست مداخله نکنند من هم قبول کردم (بعضی از نمایندگان کار خوبی کردند) بسیار کار خوبی کردند کار خیلی خوبی کردند اگر کسی میگوید کار بدی کرده حالا بگویند بعد حرفش را بر میگردد پس همه تصدیق دارید که دانشجویان باید در سیاست مداخله کنند من هم فلا تصدیق دارم ولی يك بام و دو هوا نمیشود ، من خوشوقت بودم از این که جناب آقای دکتر زنگنه وزیر فرهنگ بشوند چون ایشان را مرد شریفی میدانم جوان تحصیل کرده ای هستند و علاوه حقوق خوانده اند در دانشگاه وجهه دارند (صحیح است) و رئیس دانشکده حقوق هم بوده اند من خیلی خوشوقت شدم که ایشان وزیر فرهنگ بشوند برای اینکه فکر میکردم ایشان علاوه بر مراتب قضایی و نجابتی که دارند چون خون مقدس ایلی در عروق ایشان جریان دارد تابع دستورات اشخاص قرار نخواهند گرفت ولی متأسفم از اینکه دیدم ایشان در وزارت فرهنگ صرفاً تابع دستورات جناب آقای دکتر اقبال بودند ، اما دلیل گفتم من با مدرک صحت میکنم ، اینها از روزنامه اطلاعات گرفته شده امیرآباد کارمندان قسمت فنی دانشگاه تهران شکر گزازی و مسرت خود را از انتشار فرمان ملوکانه برای تشکیل مجلس مؤسسان اظهار داشته انتظار دارند در اجرای این امر مهم تسریع و فرمان اعلیحضرت همایونی هر چه زودتر بموقع اجرا گذاشته شود نماینده کارمندان فنی دانشگاه امضاء کرده اند (بعضی از نمایندگان - امضاء را بگویند) حسینی بیان ۰ از کرمانشاه آقای علی اصغر شمس از طرف کارکنان تعلیمات اکابر به پیشگاه اعلیحضرت همایونی تلگرافی مغایره کرده و تشکیل مجلس مؤسسان را طلبیه سعادت ملت ایران میداند . امضاء از کرمانشاه زیاد تلگراف شده است آقای قبادیان بیه تلگرافات میرسیم بتمامشان میرسیم من تمامشان را اینجا توضیح خواهم داد .

پهران دبیرستان ملی بیستون کارکنان و دانش آموزان دبیرستان بیستون از مرده فرمان مطاع ملوکانه منی بر تاسیس مجلس مؤسسان و ستا غرق در شادمانی و سرور گردیدند و بنام سعادت ایران انتظار تسریع در انجام این امر مهم و اساسی را دارند طهران دانش آموزان دبیرستان مروی در مملکتی که بدستور وزیر فرهنگ دانشجویان که روشن ترین افراد مملکت هستند حق دخالت در سیاست ندارند و از آنها التزام گرفته میشود دخالت نکنند . جوانهای بیست ساله و بیست و چند ساله حق اظهار نظر در امور سیاسی ندارند در همین مملکت دانش آموزان که حد اکثر سنشان ۱۵ سال است اینها دخالت در سیاست میکنند و اظهار نظر میکنند دانش آموزان دبیرستان مروی از پیشگاه اقدس شهریاری استعفا دارند اینها را دقت کنید این تلگراف است تاریخش ۱۸ اسفند است تصمیم اعلیحضرت مال ششم اسفند است اینها را دقت بکنید بعد بر میگردد روی اینها استعفا دارند اوامر مؤکدی برای رئیس مجلس مؤسسان و سنا صادر که بیش از پیش در تحکیم اقتدار و عظمت کهن سال ایران قدم بزرگی برداشته شود از طرف کلیه دانش آموزان دبیرستان مروی جان نثار علی امیرانی . تلگراف از عملدین هم شده است . ممکن است بگویند از دانشجویان دانشگاه تعهد گرفته بودند از دانش آموزان تعهد نگرفته بودند چون برای جواب کافی است بکنفر گفت بلانصرالدین که طناب داری بمن بدهی گفت دارم رویش ارزن پهن کرده ام . گفت ارزن که روی طناب پهن نمیکند گفت بلی مقصود بهانه است ممکن است بفرمائید که از دانش آموزان تعهد نگرفته بودند حال من تلگراف های تمام دانشجویان را دارم دانشجویانی که در امیرآباد هستند و البته همه میدانند که خودشان تلگراف نکرده اند رفته اند يك تلگرافی نوشته اند که بیا امضا کن و یک نفر هم که امضا نکرده بود بیرونش کرده بودند ، اینها را بعد میرسم ولی يك تلگرافی دارم که این تلگراف بزرگترین سند ترقیات ما است خیلی سند مهمی است نشان میدهد که چقدر با قدم های بلند در اثر نمیدانم فلان بطرف تعالی و ترقی و عدالت اجتماعی و تحول و فلان و فلان پیش رفته ایم این تلگراف نشان میدهد خلاصه اش کیهان . صدور فرمان همایونی در خصوص تشکیل مجلس مؤسسان برای تکمیل و تجدید اصول چهار و هشت و چهل و چهار قانون اساسی ۰۰۰۰ حالا يك موضوعی را میگویم برای کسانیکه حاضرالذهن نیستند مطابق مقررات وزارت فرهنگ برای پذیرفته شدن در دبستان ها بچه باید اقلاً ۷ سال داشته باشد و بچه ای که بیش از ۱۵ سال داشته باشد در دبستان پذیرفته نمیشود یعنی شاگردان دبستان سنشان بین ۷ و ۱۴ است بین هفت سال و ۱۴ سال حالا ببینید مملکت ما چطور با قدمهای سریع دارد بطرف تمدن پیشرفت میکند . کیهان صدور فرمان همایونی در خصوص تشکیل مجلس مؤسسان برای تکمیل و تجدید اصول ۴۸ و ۴۴ قانون اساسی در بین دانش آموزان کردستان (ببینید کردستان که بیشتر سکنه آن بی سوادند حالا چطور با سواد شدند) (اردلان - بگردستان توهین نکنید) توهین نمیکند آقا (عباسی - بگردستان اگر توهین بکنید در موقع خودخواهم گفت) توهین نمیکند

در بین دانش آموزان کردستان ایجاد ذوق و شغفی فوق العاده نمود. جناب آقای عباسی بفرمائید ببینم که اصول ۴۴ و ۴۸ قانون اساسی چیست؟ اگر گفتید من تمام حرفهایم را پس میگیرم.

عباسی - پیشرف توهین نکن.
دهقان - آقای رئیس اجازه بدهید من تذکر نظامنامه ای دارم بنده میخواهم عرض کنم که آقای دکتر بقائی مخصوصاً سعی میکنند که جلوی صحبت هایشان گرفته شود، من استدعا میکنم که آقایان اجازه بدهند که هرچه میخواهند ایشان بگویند بعد جوابش را بدهند.

رحیمیان - صحیح است.

عباسی - چارپائی براو کتابی چند.

نایب رئیس - آقای عباسی حق توهین ندارید شما اخطار میکنم (زنک رئیس).

دکتر بقائی - بنده از جناب آقای عباسی سؤال کردم که بفرمائید (بهداری - شماحق توهین ندارید)

(امامی اهری - شماحق سؤال ندارید) سؤال کردم که بگوئید اصل ۴۴ قانون اساسی چیست این توهین بود ولی ایشان به بنده جواب دادند چارپائی براو کتابی چند توهین نیست یعنی من چارپا هستم مرد که هستم احمق هستم دیوانه هستم ولی ملت ایران میدانند که این صداها را کی دستور میدهد بلند شود (صحیح است) من افتخار میکنم (حاذقی - اگر هیچکدامش نباشید دیوانه هستید) اینها توهین نیست؟

مکی - اینها توهین نیست؟

نایب رئیس - آقای مکی نماینده ای که توهین میکند باو اخطار میکنم و باو تذکر میدهم. آقای حاذقی شما اخطار میکنم

دکتر بقائی - اینها توهین نیست و من از آقایان تشکر میکنم تمام اینها جزء افتخارات من است بستگان و دوستان من افتخار خواهند کرد از اینکه بمن بگویند مرد که احمق، الاغ، چارپا تمام اینها را بمن گفتند شاهدید اینها توهین نیست ولی قضاوت بکنید که من يك کلمه حرف دارم میزنم نه زشت میگویم نه بد میگویم دارم اظهار عقیده میکنم

که فلان شخص برای فلان کار من توهین کرده ام خوب نبوده و تهدیدم میکنند بهفت جلسه اخراج ولی مرد که توهین نیست، احمق توهین نیست، الاغ و دیوانه و چهارپا توهین نیست ولی من حقیقتاً میگویم توهین نیست من کمال افتخار را دارم که جناب آقای دهقان بمن بگویند مرد که و کمال افتخارم است که آقای عباسی بمن بگوید چارپا و کمال افتخارم اینست که آقای حاذقی بمن بگویند احمق و خواصش میکنند از تمام نمایندگان مطبوعات که اینها را مخصوصاً قید بکنند تا بدانند مرد که کیست، احمق کیست، چارپا کیست، اینها من هستم، اینها همه را قبول دارم من افتخار میکنم (فولادوند - ما خیلی متأسفیم ولی آقای عباسی وکیل صدر صد ملی کردستان هستند) مگر من گفتم که وکیل کردستان نیست؟ چرا هو میکند؟ من کی گفتم وکیل کردستان نیستند؟ من چون وکیل ملی کردستان بودم و معلوم میشود که از افراد برجسته کردستان هستند این سؤال را از ایشان کردم، برای اینکه میدانم که ایشان نمیتوانند جواب این سؤال را بدهند (کشاورز صدر - اصل ۴۲ چیست شما بگوئید) بنده تلگراف راجع باصل ۴۲ نکردم ولی اینها تلگراف کردند راجع باصل ۴۸. صدور فرمان همایونی در خصوص تشکیل مجلس مؤسسان برای تکمیل و تجدید اصول ۴۸ و ۴۴ قانون اساسی در بین دانش آموزان کردستان ایجاد ذوق و شغفی فوق العاده نموده، فوق العاده بدین وسیله مراتب شکرگزاری خود را به پیشگاه ملو کانه معروض داشته و استدعا مینمایند امرا کید صادر فرمایند که وسایل تشکیل مجلس سنا را فراهم کنند و من چون معلم هستم و این دانش آموزان کردستان هم جزء شاگردان من محسوب میشوند، چون ممکن است يك وقتی هم بیایند دانشگاه، اینجا فقط يك ایراد عبارتی دارم که این مقدمه و نتیجه درست نیست از يك طرفی اظهار شغف میکنند که مواد ۴۸ و ۴۴ را اصلاح کنند آنوقت تقاضا میکنند که مبادرت به تشکیل مجلس سنا کنند ولی تصور میکنم مثل این است که این دانش آموزان خیال کرده اند مجلس سنا قانون اساسی را

درست خواهد کرد (فولادوند - تغییر از دست مجلس شورای ملی متزجر شده اند سه دوره است آزادی است و مردم بجان آمده اند) همانها اکثریت را انتخاب کرده اند (حسین وکیل - آقای دکتر اسامی آن تلگراف کردستان را بخوانید) بسیار خوب حمزه شیخ الاسلامی - سلطان پور - همایون - خاکباز -

خلیقی - طیب زاده - احمد زاده - قاضی کمانگر معتمدوزیری - طالقانی - غیائی - رحیم زاده - سعید پور رحیم زاده - آذرسیمان - حکمی - سنگری - مرادیان توحیدی - ضیائی (بعضی از نمایندگان - کفایت میکنند) اجازه بدهید دوتا دیگر ماند این دوتا هم مجلس مؤسسان میخواهند (عباسی - اینها که تلگراف کرده اند همه اشخاص محترمی هستند) مگر من گفتم که نامحترم هستند اینها دانش آموزان هستند (عباسی - یکمشت مردمان ایرانی و خالص نژاد ایرانی و پاک هستند) بنده تمام کردها و غیر کردها ارادت دارم و میدانم ایرانی هستند پاک نژاد هستند نژادشان هم خالص است، اینها را تمام میدانم جناب آقای عباسی ولی اینکه بنده عرض کردم آقای عباسی اینها پدرانشان نیستند اینها دانش آموزان هستند سنشان ۱۴ سال است من مقصودم توهین نیست بتمامشان هم اظهار ارادت میکنم و از اینجا بیدرانشان درود میفرستم که این چنین فرزندان برومندی تربیت کرده اند که بین سنین ۷ و ۱۴ سال راجع بقانون اساسی اظهار نظر میکنند (خنده حضار)

۳- تعیین موقع و دستور جلسه بعد ختم جلسه
نایب رئیس - پیشنهاد ختم جلسه رسیده است جلسه را ختم میکنیم جلسه آتی به روز شنبه ۲۷ دستور ۲ دوازدهم.

(سرع بعد از ظهر جلسه ختم شد)

نایب رئیس مجلس شورای ملی - **امیر حسین ایلخان**